



سیستان و توسعه گردشگری

فاروق سارانی^۱، قدرت الله سارانی^۲، علی اکبر سورگی^۳

- ۱-دانشجو دکترا دامپزشکی واحد گرمسار
- ۲-دانشجو دکترا دامپزشکی واحد گرمسار
- ۳-کارشناس آزمایشگاه حوزه پژوهش واحد گرمسار

چکیده

نتایج مطالعات انجام شده در تاریخ و باستان شناسی سیستان موید آن است که مرکزیت این منطقه ی بزرگ به روزگار هخامنشیان با شهری در موسوم به «زرنکا»، به روزگار اشکانیان با دو شهر معروف به «پروفتازیا» و «اگریاسپی»، در دوره ساسانیان با «رام شهرستان» و در دوران اسلامی (از آغاز تا صفویه) با شهرهای «زرنگ»، «شهرسیستان» و «شهر نو سیستان» بوده است. غیر از دهانه غلامان و تپه شهرستان که به احتمال می توان آثار بر جای مانده از آن ها را به ترتیب به زرنکای هخامنشی و رام شهرستان دوره ساسانی نسبت داد و نیز زاهدان کهنه که در تعلق و انتساب آن به «شهر سیستان» - دومین دارالحکومه سیستان در دوران اسلامی هیچ تردیدی نمی توان داشت، از محل دیگر مراکز دوران تاریخی و اسلامی سیستان اطلاع دقیقی در دست نیست

واژه های کلیدی : سیستان، شهرسوخته، توسعه گردشگری، دهانه غلامان، سه کوهه.



اولین همایش ملی گردشگری، اقتصاد و بازاریابی

The First National Symposium on Tourism, Economy & Marketing

دانشگاه آزاد اسلامی زابل - ۲۶ و ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۰



خاک جلگه های فرات و دجله و نیل می باشد و در همین منطقه یکی از قدیمیترین تمدنهای خاورمیانه پایه گذاری شده است.

شهرستان زابل :

زابل مرکز منطقه سیستان است و در حدود ۸۱۱۷ کیلومتر مربع مساحت دارد. در ۶۱ درجه و ۲۹ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۱ درجه و ۱۳ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده است. ارتفاع آن از سطح دریا ۴۸۹ متر است، فاصله آن تا مرکز استان ۲۰۶ کیلومتر و تا تهران ۱۷۶۱ کیلومتر است از طرف شمال و شرق و جنوب شرقی به مرز افغانستان، از جنوب به شهرستان زاهدان، از غرب و شمال غربی به کویر لوت و شهرستان بیرجند محدود می شود.

شهرستان زابل در جلگه وسیع و مسطحی قرار گرفته است که اطراف آن تا مساحت زیادی عاری از عوارض طبیعی و کوهستانی می باشد. ارتفاع مهمی که در آن دیده می شود کوه خواجه یا کوه رستم است که بطور منفرد در انتهای غربی دریاچه هامون بین فراه رود و گود زره و غرب شهر زابل قرار گرفته است.

زابل در سال ۱۳۱۶ هـ. ش بصورت شهرستان درآمد. قبلاً جزو استان کرمان بود. چندی بعد تابع استان خراسان شد. سرانجام جزو استان سیستان و بلوچستان شد. نام این شهر در قدیم نصرت آباد بوده (نصرآباد و نصیب آباد نیز ذکر شده محل فعلی زابل، شهر اصلی نبوده و شهر قدیم را هیرمند ویران کرده است.

شهرستان زابل دارای ۵ بخش (پشت آب، شهرکی و نارویی، شیب آب، مرکزی و میانکنگی) دارای ۲ شهر، ۱۷ دهستان و ۹۳۳ آبادی می باشد

باری با توجه به این که سرزمین سیستان از باستانیترین و قدیمیترین مناطق مسکون به شمار می رود و به لحاظ قدمت و ارزش تاریخی ای که دارد، هر یک از جغرافیدانان و تاریخنگاران دورانهای مختلف، اعم از تازی و پارسی، از وجه تسمیه آن به نحوی سخن گفته و کوشیده اند که معنایی برای آن پیدا کنند و بدانند که

اوضاع جغرافیایی سیستان

سیستان حوزه مسدود و مسطحی است که در شمال استان سیستان و بلوچستان قرار دارد و از آبرفتهای دلتای قدیمی و فصلی رود هیرمند تشکیل شده است. این ناحیه در اواخر دوران سوم زمین شناسی در اثر جنبشهای کوهزایی از دریا جدا شده و پس از آن ابتدا رسوبات رسی و آهکی (مارن) از نوع دریایی و بعد رسوباتی با مواد نسبتاً درشت و سپس نرم روی هم انباشته گردیده است، وضع قرار گرفتن طبقات مانند بالا همیشه منظم نمی باشد و تغییراتی در مسیر آب رودخانه ها ایجاد شده است. در پست ترین نقطه آن چند دریاچه آب شیرین وجود دارد که بزرگترین آنها دریاچه هامون در نزدیکی مرز ایران و افغانستان می باشد. آب رود فراه از شمال و آب رود هیرمند از جنوب به این دریاچه می ریزد. در زمانهای گذشته سیستانیان اگر از بسیاری از نعمتهای طبیعی بی بهره بودند دو چیز خوب داشتند :

خاک خوب و رود بزرگ و پر برکت هیرمند. اکنون خاک بجای است اما از آب که زندگی گیاهان و جانوران به آن بستگی دارد محروم اند و زمین بی آب هم گرچه مستعد باشد، سودی نخواهد داشت. حاصلخیزی اراضی سیستان ضرب المثل و از لحاظ تنوع محصولات می توان آن را به جلگه نیل تشبیه کرد و خاک آن شبیه است) و با اتصال به قریه حسین آباد به نام زابل خوانده شده است. بعدها تاسیس پادگان بر اهمیت آن افزود. سرانجام در سال ۱۳۰۷ هـ. ش زابل نامیده شد و در سال ۱۳۱۶ هـ. ش بصورت مرکز سیستان درآمد در مورد پیدایش این شهر عقاید مختلفی وجود دارد بنا به نظر عده ای از اهالی، زابل حدود ۴۵۰ سال قبل

در محل قلعه رستم واقع در ۳۶ کیلومتری جنوب شهر فعلی قرار داشته، عده ای شهر قدیمی را زاهدان کهنه که خرابه های آن در نزدیکی قاسم آباد وجود دارد می دانند. عده ای شهر کهنه واقع در بخش شهرکی و نارویی را شهر قدیمی می دانند. آنچه مسلم است



اولین همایش ملی گردشگری، اقتصاد و بازاریابی

The First National Symposium on Tourism, Economy & Marketing

دانشگاه آزاد اسلامی زابل - ۲۶ و ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۰



قبل از آن، نام سیستان «زرنکا» بوده که نام شهر «زرنک» از آن گرفته شده است»

لذا می‌بینیم که «زرنکای» که یونانیان آن را «درنگیانا» می‌خوانده‌اند، از قدیمی‌ترین عناوینی است که به سرزمین سیستان فعلی اطلاق می‌شده است، که البته این لفظ برگرفته شده از الفاظ دیگری از قبیل: زره، زریه، دریه، زه، زوآب، زاب و غیره که در زبان پهلوی و زردشتی و دری همه به معنای «آب» و «سرزمین آبخیز» و یا «آب‌گیر» می‌باشند.

پیشینه تاریخی سیستان

در کتاب زرتشت سیستان یازدهمین سرزمینی است که اهورا مزدا آفریده است، همچنین سیستان مسقط الراس قهرمان معروف ایران رستم دستان می‌باشد گفته می‌شود که رستم در این ولایت زندگی کرده و غلبه او بر دیوها واژدهاها و جنگ های او با ممالک دور دست در غرب و شمال و حتی با مملکت چین و پیروزیهای افسانه ای وی منتهی به تشکیل و تثبیت سلسله هخامنشی گردیده است.

مورخین بنای سیستان را به گرشاسب پسر شهید بن کورنگ بن بیورست بن تور بن جمشید نسبت می‌دهند. وی شهر زرنک را بنا نهاد و پیش بینی کرد آبادانی این شهر تا ۴۰۰۰ سال بپاید. غرض وی از بنای چنین شهری این بوده است که از دست ضحاکان زمان در امان باشد. سپس سرزمین های بست، ارخج، زمینداور و کابل که متصرفات پیشین نیای مادری گرشاسب یعنی همسر جمشید بودند، به قلمروی او افزوده شد.

در کتاب حدود العالم فی المشرق الی المغرب نگاشته به سال ۳۷۲ هـ. ش در وصف سیستان آمده است: «سیستان ناحیتسیت قصبه، او را زرنک خوانند، شهری با حصار است و پیرامون او خندق است که آبش هم از وی بر آید و اندروی رودهاست، و اندر آنها، وی آب روان است و شهر او را پنج درست از آهن و ربض او بارده دارد، و او را سیزده در است و گرمسیر است و آنجا برف نبود و ایشان را آسیابهاست بر باد ساخته و از آنجا

علت این نامگذاری چه بوده و چرا؟ البته دیگر شهرها و آبادی‌ها نیز به همین طریق مورد تفحص و تحقیق قرار گرفته‌اند و سعی شده است تا سبب نامگذاری این اماکن مشخص گردد. این یک قاعده کلی است که هر شهر و دیاری نام خویش را از عوامل مختلف تاریخی، جغرافیایی، تاریخ‌سازان، شهریاران و حتی افراد خاص که متأثر در فرهنگ و اجتماع و روند تکامل اجتماعی، سیاسی آن بوده‌اند، گرفته و می‌گیرد. چنانکه مکان‌هایی مثل: پارس، پاسارگارد، بابل و... نام خویش را از عوامل تاریخی گرفته‌اند همچنانکه ساوجبلاغ، رودسر، دیواندره و... در نامگذاری از عوامل جغرافیایی متأثر بوده‌اند و شهرهایی چون اسکندیه، تربت حیدریه، مشهد و... وجه تسمیه آنها ریشه در نام و یاد انسان‌هایی خاص دارد

یکی از قدیمی‌ترین عناوینی که به سرزمین سیستان اطلاق می‌شده، لفظ «زرنکه» و یا «زرنکای» می‌باشد که در زمان هخامنشیان به این سرزمین داده شده و در نوشته‌های یونانی از آن به «درنگیانا» یاد شده است در سنگ نوشته نقش رستم «زرنکه» از جمله سرزمین‌هایی است که تحت تسلط داریوش، پادشاه هخامنشی (۴۸۵-۵۲۱ هـ. ق) بوده است چنانکه آمده:

«گوید داریوش، به خواست اهورامزدا این کشورها را من با سپاه پارس می‌داشتم که از من می‌ترسیدند و باج و خراج می‌پرداختند: خوزستان، ماد، بابل، عربستان، آشور، مصر، ارمنستان، پارت، زرنکا، خوارزم، تته گوش، سغد، هرات، بلخ و... شکی، یونهای آن سوی دریا، کشورهای شرقی، اسگرت، پارت، زرنکه، رخج، سند، گداره، بلخ، سغد، تته گوش و...»

همچنین نویسنده مجهول تاریخ سیستان در تأیید این مطلب آورده است که:

«سیستان مصحف سگستان است که مملکت سکه‌ها می‌باشد، و این «سکه» مردمی بوده‌اند از عشایر آریایی که بعد از انقراض دولت هخامنشی، در حدود (۱۳۰ ق. م) و در اوایل عهد اشکانی وارد آن سرزمین شده و تا سند و پنجاب را تحت تصرف خود قرار دادند و



اولین همایش ملی گردشگری، اقتصاد و بازاریابی

The First National Symposium on Tourism, Economy & Marketing

دانشگاه آزاد اسلامی زابل - ۲۶ و ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۰



بازرسی و نصب علائم مرزی بین ایران و افغانستان گردید و این هیات در سال ۱۸۷۲م برای رسیدگی محل به دعاوی طرفین راهی سیستان شد. دعوی افغانستان نسبت به سیستان مبتنی بر دعوی دوران احمد شاه درانی بانی امپراطوری افغانستان بود و ادعای ایران نیز واضح و معقول بود و آن مبتنی بر حق فرمانروایی تدعی تر بود که با دلیل قوی فتح و تسخیر اخیر و تصرف عملی محل تقویت یافته بود.

با توجه به مراتب بالا ژنرال گلداسمید از دو سیستان جداگانه صحبت نمود که یکی را سیستان خاص و دیگری را سیستان خارجی نام نهاد. سیستان خاص را وی منطقه ای بین نيزار از شمال و نهر اصلی جناحی آن محدود ساخت که از هیرمند برای آبیاری سه کوهه و دهات مجاور در جنوب منشعب می شود و از بستر قدیمی و واقعی هیرمند در شرق تا کنار هامون و کوه خواجه در غرب امتداد می یابد.

سیستان خارجی اراضی واقع در شرق هیرمند بود که از دهانه آن بر دریاچه در شمال تا رودبار و آب برهان علیای آن در جنوب بود.

وی وضع سیستان خارجی را به افغانستان و سرحد بین آن دو را هم از سیاه کوه که حد مشرقی ناحیه ایران به هندوستان است تعیین نمود یعنی در امتداد جنوبی نيزارتا کناره چپ رودخانه هیرمند و از آنجا تا حدود یک میل بالاتر از بند اصلی تا بند کوهک و بعد از آن شامل خطی است که ایران را فقط از جهت جنوب غربی به رشته ملک سیاه کوه می پیوندد و امتداد شمالی سلسله کوههایی است که صحرای زره را در غرب محدود می سازد.

در اینجاکار تجزیه سیستان پایان پذیرفته و رای حکمیت راجع به آن امضاء شده است. کلنل سی ام مک گریگور که در سال ۱۸۷۵ م به سیستان سفر کرده است در سفرنامه اش می نویسد: «بخش ایرانی سیستان که هم اکنون زیر نظر میر علم خان اداره می شود تمام نواحی جنوب تا نيزار هامون و نیز تمامی نواحی ساحل چپ رود هیرمند تا آبادی کوهک را شامل می شود و از کوهک خطی که به

جامه‌های نوش افتد بر کردار طبری، زیلوها بر کردار چهرمی و خرماي خشک و انگزد»

در قرن نهم خاندان محلی صفاری، سیستان و بسیاری از ممالک دیگر را به تصرف خود درآوردند بعد از آنها سامانیان، سیستان را متصرف شدند تا اینکه در عهد نصر دوم سامانی، سیستان به یکی از اعضای خاندان صفاریان واگذار شد ولی در مقابل لشکرکشی محمود غزنوی که در قرن بعد اتفاق افتاد مقاومت نمود و محمود پس از تصرف سیستان برادرش نصر بن ناصر الدین را حاکم این منطقه نمود. سلجوقیان یکی از اخلاف خلف صفاری بنام ظاهر را حکومت دادند در قرنهای سیزده و چهارده میلادی سیستان مانند بیشتر همسایگان خود گرفتار دو تهاجم متوالی یعنی حمله چنگیز و تیمور لنگ شد (۶۳۱ هـ. ق. لشکرکشی مغول به سیستان و ۷۸۹ هـ. ق. ورود تیمور به سیستان)

سپس سیستان به دست مهاجمان افغانی و بعد نادر شاه افتاد و بخشی از امپراطوری افشار شد و تا مرگ نادر به سال ۱۷۴۷م این وضع ادامه داشت و بعد در چنگ فرمانروایی احمد شاه ابوالی موسس سلسله درانی در افغانستان افتاد، بعد از مرگ احمد شاه سیستان به جانشین او تیمور شاه باج می داد تا اینکه پس از مرگ یار محمد حاکم هرات ایران از هرج و مرج افغانستان استفاده نموده و علی خان حاکم محل را تشویق کردند که پرچم ایران را برافرازد. در سالهای ۱۸۶۶-۱۸۶۵م دولت ایران برای جلوگیری از دست اندازی افغانستان به سیستان لشکر کشید و سیستان را اشغال نمود و به مرور سکنه ایرانی آن ولایت را نیز تابع فرمان خویش ساخت و برای انصراف بلوچها از تابعیت افغانستان به فعالیت پرداخت. پس از این جریانها تا مدتی افغانها رفتار مسالمت آمیزی داشتند تا اینکه شیر علی خان که بر کرسی فرمانروایی مستقر شد توقع ابراز احترام نسبت به خود داشت و در صدد تمهید مقدمات جنگ بر آمد. به علت این نگرانی سردکلارندن انگلیسی پیشنهاد حکمیت نمود و در سال ۱۸۷۰ م گلداسمید که به ریاست هیات انگلیسی منتخب شده عازم منطقه گردید و اشکالات همه بر طرف و سال بعد هم مشغول



اولین همایش ملی گردشگری، اقتصاد و بازاریابی

The First National Symposium on Tourism, Economy & Marketing

دانشگاه آزاد اسلامی زابل - ۲۶ و ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۰



گهگاه فرمانگذار و دست نشانده همسایگان قدرتمند خود بودند با اینهمه گویی توانستند پاره ای از قدرت و حاکمیت را در دست خود نگهدارند. این وفاداری تنها در پایان سده نهم هجری از میان رفت و از آن پس سیستان هویت جداگانه خود را عمدتاً از دست داد و ولایت فردی امپراطوری صفوی گردید. اگر چه سلطه سیاسی عرب بر سیستان پایان گرفت اما اعتبار زبان و دانش عربی در همه محافل مسلمانان با فرهنگ و تربیت یافته ، مدتی دراز سیستان را از مراکز تحقیق در همه دانشهای عربی در همه محافل مسلمانان با فرهنگ و تربیت یافته ، مدتی دراز سیستان را از مراکز تحقیق در همه دانشهای عربی نگه داشت چنانکه در این مدت به علما و ادیبان فراوانی بر خوردیم که دارای نسبت سجستانی هستند.

جغرافیای طبیعی سیستان

ناهموارها

کوههای سیستان با محور شمالی - جنوبی ، شامل چین خوردگیهای فشرده ای هستند که از مغرب به بیابان لوت و از مشرق به جلگه سیستان منتهی می گردند. «پلنگ کوه» مشرف به جلگه سیستان ، از مهمترین ارتفاعات این منطقه است . گدازه بازالتی دوزنقه ای شکل کوه «خواجه» یا «رستم» که مقابل فرسایش بادهای صحرائی مقاومت کرده و در حاشیه دریاچه هامون در جنوب غربی شهر زابل با ارتفاع حدود ۵۹۵ متر واقع است ، تنها عارضه دشت سیستان است.

در جنوب شرقی سیستان ، تپه کوههای پراکنده ای قرار دارند که ارتفاع آنها بیش از ۵۲۰ متر نیست و در واقع این ارتفاعات که با قسمت بیرونی چاله هامون تقریباً هم سطح اند در مدخل شبیه به لبه چاله یا کاسه آبگیر هستند که جنوب غربی آنها ترک دارد و امتداد این ترک آبگیر شیله است که به هنگام طغیان شدید رودها و بالا آمدن آب دریاچه هیرمند ، مازاد آب دریاچه به باتلاق گودزره می ریزد.

ملک سیاه وصل می شود مرز سیستان در این ناحیه خواهد بود. مردم سیستان در دوره های مختلف تاریخ از شجاعت ، دلاوری و مردانگی بی نظیری برخوردار بودند ، بعلاوه راستی و درستی شعار اولیه آنان بود. این مطالب درکتاب مختلف منجمله شاهنامه فردوسی و کارنامه اردشیربابکان به ثبت رسیده است .»

نگه داشت چنانکه در این مدت به علما و ادیبان فراوانی بر خوردیم که دارای نسبت سجستانی هستند.

گذشته از این موارد ، علم دوستی و فرهنگ دوستی از خصایص مهم مردم این خطه بوده و است و مردم این منطقه در علوم مختلف چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام سر آمد زمان خود بوده اند. تحقیقات اخیر باستانشناسی در شهر سوخته زابل واقعیت جالبی را اثبات نمود که در دنیای علم بی سابقه بوده است و آن اینکه در این تحقیقات جمجمه انسانی بدست آمده است که در ۲۸۰۰ سال پیش از میلاد مسیح (ع) (۴۸۰۰ سال قبل) بر روی آن عمل جراحی مغز صورت گرفته است. حتی گفته می شود در موقع تولد رستم چون به دلیل جثه بزرگ امکان بدنیا آمدن وی به روش طبیعی وجود نداشت مادرش را به وسیله شراب بیهوش نموده و سپس پهلویش را شکافته و رستم را بیرون آوردند، اگر چه این گفته مستند نیست اما با توجه به کشف فوق الذکر می توان گفت این عمل سخت تر از عمل جراحی جمجمه و مغز نیست.

پس از تشرف سیستانیان به دین مبین اسلام نیز مردم منطقه علاقه وافر نسبت به این دین مقدس از خود نشان دادند و آن را با جان و دل پذیرفته و احکام آنرا فراگرفته و بکار بستند. سیستان در اوایل دوره صفاری سهم مهمی در زنده کردن فرهنگ نو فارسی در شرق و عالم ایران داشته است. برآمدن صفاریان دوره ای را در سیستان به پایان می برد که دوره استیلای ۲۰۰ ساله تازیان بر زندگی سیاسی و فرهنگی این سرزمین است. در دهه چهارم هجری سیستان مانند دیگر ولایات ایرانی از سرزمینهایی که مستقیماً از خلفای بغداد فرمان می بردند جدا گردید و پس از آن هرگز گردن به اطاعت خلفای بغداد نداد. در عوض در چندین سال آینده ، اعضای خاندان صفاری اگر چه



اولین همایش ملی گردشگری، اقتصاد و بازاریابی

The First National Symposium on Tourism, Economy & Marketing

دانشگاه آزاد اسلامی زابل - ۲۶ و ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۰



آب و مسائل آن

طرف مشرق جریان یافته ، وارد دریاچه زره می شود، این مجرا را در محل شیشه یا شلاق گویند. سیستان مدتی از سال از سه سمت محدود به آب است. به این معنی که رود هیرمند در مشرق و دریاچه هامون در شمال و غرب آن واقع است. اما در طرف شمال و حدود چخانسور، باتلاقهایی که از فرو ریختن هیرمند و خاش رود پدید می آید گاهی تولید شوره زارهایی می کند که به هیچ وجه مناسب کشت نیست و امروز بسیاری از زمینهای سیستان بر اثر ته نشست و ترکیبات نمکی بدین صورت در آمده و لم یزرع شده است.

هیرمند (Hir. mand) / هیلمند (Hil. mand) / هلمند (Hel. mand) رود

جغرافیا:

هیرمند با حوضه آبریزی به گستره ۳۵۰ هزار کیلومتر مربع، بزرگترین رود خاوری فلات ایران و کشور افغانستان است. درازای آن ۱۴۰۰ کیلومتر است که از ارتفاع ۳۸۰۰ متری غرب کوه پغمان (Paq. man) در ۶۰ کیلومتری باختر کابل، میان دوکتل اونی (u.ni) در شمال و حاجیگک (Ha. Ji. gak) سرچشمه می گیرد و دره تنگی را به درازای ۳۲۰ کیلومتر به سوی باختر می گشاید.

از دیدگاه زمین شناسی فرو افتادگی پهناور سیستان که از خاور گسل هیربود آغاز می گردد، بازمانده دریای دوره ترشیری (۲۵۰ میلیون سال پیش) است که در دوره کوهزایی آلپی پسین (پاسادین)، به شکل چاله درآمده و در آغاز دوران چهارم، دوره پلیستوسن همه سرزمین سیستان زیر آب بوده (۱ میلیون سال پیش) و رفته رفته آبرفت های رود هیرمند آن را انباشته است. میانگین ضخامت این آبرفت ها ۵۰۰ و در پیرامون زابل به ۲۵۰۰ متر هم می رسد. ترکیب این نهشت مخلوطی از ماسه و رس است که همواره در حال فرونشینی است.

باد لوار (le. var) یا ۱۲۰ روزه سیستان که با سرعت بیش از یکصد کیلومتر در ساعت، از شمال خاوری می وزد، ماسه های نرم و خاک زمین های دو سوی رود را با خود می برد، اما نمی تواند ماسه های نمدار و به هم چسبیده ی لبه ی رود را جابه جا کند. هر از گاهی رود

مردم سیستان مثلی داشتند که آبادانی سیستان به بستن سه بند مشروط است: ۱- بستن بند آب ۲- بستن بند ریگ ۳- بستن بند مفسدان. علاوه بر آنکه بستن سد برای تأمین ذخیره آب در مواقع کم آبی ضروری بود فایده دیگری هم داشت و آن این بود که جلوی سیلابهای شدید را می گرفت. دشتهای سیستان که در گرداگرد هیرمند و گود زره کشت می شد اگر آب رود ناگهان طغیان می کرد یکباره زیر سیلاب فرو می رفت و تمام محصول نابود می گردید زیرا متوسط شیب این دشت معمولاً از ۴۰ سانتیمتر در هر کیلومتر تجاوز نمی کند از اینرو سیلاب نیز چون ریگ زدگی ، از آفات محصولات سیستان به شمار می رفت.

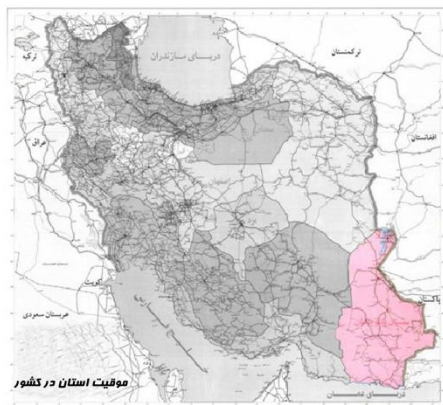
از جهت جریان آب وضع این منطقه هرگز اعتدالی نداشته و ندارد و در واقع گاهی به علت طغیان آب مردم در زحمت می افتادند و زمانی از خشکسالی می نالیدند.

معروفترین دریاچه ای که از ریزش این رودها پدید می آید همان دریاچه هامون ، گود زره است و حدود هزار سال پیش نویسنده کتاب حدود العالم که به سال ۳۷۲ هجری قمری تالیف شده درباره آن گفته است: «که از گرد او آبادانی است و ده ها، مگر زآن سوی که به بیابان باز دارد، درازای او سی فرسنگ است و اندر پهنای هفت فرسنگ و گاه بود که آب این دریا چنان بود که از رودهایی خیزد که بکرمان بگذرد و به دریایی اعظم شود» امروز وقتی که سطح آب بالاست حدود چهار هزار کیلومتر مربع وسعت دارد و در مواقعی که سطح آب پایین است مساحت آن به هزار کیلومتر مربع تقلیل می یابد

بر اثر خشکسالیهای مداوم و بر اثر نحوه استفاده از هیرمند در بالای رود دریاچه هامون کوچکتر شده است و در ماه اسفند معمولاً حدود ۳۰ کیلومتر طول و ۶ کیلومتر عرض و بطور میانگین حدود ۱۰ متر عمق دارد و دریاچه زره که در واقع شعبه ای از هامون است فعلاً در افغانستان قرار دارد. بریدگی به عرض ۳۵۰ متر این دو دریاچه را به هم متصل می کند و وقتی آب زیاد شود مازاد آب هامون از این راه به

است، زمین‌های بارآور این سرزمین گاهواره تمدنی کهنسال بر پایه کشاورزی است که سپیده دم آن با داستان‌های حماسی که فردوسی سروده، درهم شده است.

نخستین اقوام آریا بر کران این رود فرود آمدند و این حماسه‌ها را پدید آوردند. برخی بر این عقیده‌اند، ماهیگیری که در جنوب هامون و نیزار می‌زیند و زبانی ویژه دارند، بازمانده همان آریاییان هستند.



موقعیت استان در کشور

سه کوهه یکی از روستاهای تاریخی با بافت محلی شهر محمد آباد می باشد که قلعه سکوهه یکی از آثار ومفاخر منطقه سیستان است . این قلعه در تاریخ پر حادثه خود با زمان تغییر کرده وبعنوان میراث گذشته بر جای مانده است هرگوشه این قلعه نشان از تاریخ عظیم وبس کهن دارد . یکی از نکات قابل تامل در این بنا معماری کهن آن است نشان دهنده بخشی از تاریخ معماری این منطقه را در حدود ۳۰۰ سال به تصویر می کشد .

بنای مذکور در مرکز روستای سه کوهه بر بالای تپه ای نسبتا مرتفع که گردا گرد آن را دشتی نسبتا هموار قرار گرفته است قرار دارد

این بنا در زمینی مرتفع و مستطیل شکل با مساحت ۳۷۰۰ متر مربع که تنها راه ورودی آن قسنت شرق است که با یک سراسیمبی

به هنگام طغیان بهاری، دیواره حاشیه‌ای خود را می‌شکند و بستر عوض می‌کند. این پدیده در دلتای بسیاری از رودها، مانند اروند به چشم می‌خورد. با دلووار هوا را توان فرسا و زیست را برای گیا و زیا دشوار می‌کند، ولی هیرمند هم با تبخیر خود بر هوای پیرامون اثر زیادی می‌گذارد و از خشکی شدید آن بویژه در تابستان ۴۵° صدبخشی (سانتی‌گراد) می‌رسد. افت و خیز دما در شبانه‌روز و هم در سال زیاد زیاد است. سرما گاه در زمستان به ۱۱-° نیز می‌رسد.

از گستره ۱۸۲۰۰ کیلومتر مربعی آبریز رودخانه در سیستان، تنها ۴۰٪ آن در خاک ایران است که دهانه هیرمند و دلتای بسیار گسترده و هموار آن را می‌سازد. هیرمند در این دلتای بزرگ در جایی به نام جریکه (ja.ri.ke) دو شاخه می‌شود؛ یکی رود سیستان که در جهت شمال باختری روان شده، پس از آبیاری زمین‌های جلگه سیستان با دو شاخاب به دریاچه سیستان/ هامون می‌ریزد و دومی رود پریان که رو به شمال می‌رود و مرز ایران و افغانستان را به درازای ۶۰ کیلومتر می‌سازد و دوباره به خاک افغانستان بازمی‌گردد و به هامون پوزک (pu. zak) / پوزه (pu. ze) می‌ریزد. شیب بستر پریان نسبت به هیرمند بیشتر است و در نتیجه بیشتر آب هیرمند وارد بستر پریان شده به سوی افغانستان کشانده می‌شود. با این که این زمین‌ها از بارآورترین خاک‌های کشاورزی به شمار می‌روند در سال‌هایی که آب هیرمند فرو می‌کاهد، برای مردم سیستان ایران دشواری‌های بزرگی به بار می‌آورد.

هیرمند دوره باستان و اساطیری: هیرمند و سرزمینی که این رود در آن روان است، یعنی سیستان باستانی که زابلستان (ولایت زابل کنونی افغانستان)، بست، غزنه، قندهار و کابلستان را در برمی‌گرفته، گستره‌ای نزدیک به ۱۸۱۵۰ کیلومتر مربع داشته است که امروزه $\frac{2}{5}$ آن در خاک ایران است. این منطقه خاستگاه یکی از بزرگترین حماسه‌های بشری و زادگاه رستم، پهلوان اساطیری آن است که به روایت شاهنامه فرمانروایی این سرزمین را داشته و بسیاری از رویدادهای حماسی شاهنامه در این سرزمین رخ داده است. سراینده توس بارها از رود هیرمند (در بیش از ۱۵ بیت) نام برده



اولین همایش ملی گردشگری، اقتصاد و بازاریابی

The First National Symposium on Tourism, Economy & Marketing

دانشگاه آزاد اسلامی زابل - ۲۶ و ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۰



در میدان مرکزی یا حیاط بزرگتر اتاقهای در اطراف میدان ساخت شده چون این قسمت جدید تر از قسمت جنوبی است با تغییر زمان با رواج سبک اروپا به ایران سبکهای ایرانی تحت تاثیر این تغییر قرار گرفت و با سبک ایرانی آمیخته شد در ارگ می توان به تغییر شگرف این تغییر سبک معماری در قلعه جنوبی که در افشاریه ساخته شده و میدان مرکزی که در عهد قاجاریه است پی برد.

معماران و مهندسیین این بنا:

بنا به گفته مالک این بنا برای ساخت این بنا از معماران و بناهای منطقه چخانسور که قبلاً جزء سیستان بوده و بعد از تقسیم سیستان در کشور افغانستان قرار گرفته است استفاده شده است و تقریباً بجز برج فلک سر که جدید ترین بنای ارگ است بقیه تحت نظر معماران همان منطقه قرار داشته است .

برج فلک سر را که حاکم برای همسرش دختر بهرام میرزا ساخته است چون برای این نو عروس شرایطی متناسب با شرایط تهران می خواسته ،معمارانی از تهران به سیستان آورده و به سبک تهران برای این شاهزاده ایرانی ساخته است.

پس در ساخت این بنا از معمارانی از منطقه چخانسور و تهران استفاده شده است.

نتیجه گیری:

عدم دسترسی آسان و بعضاً ناممکن به برخی از منابع و مآخذ مورد نیاز و مربوط به سیستان، یکی از مهمترین موانع و مشکلاتی بود که ذهن نگارنده را همواره به خود مشغول داشته است. برخی از این منابع یا در هیچ یک از کتابخانه‌های ایران موجود نیست و یا بعضاً در صورت موجود بودن به دلیل پاره‌ای از مشکلات و محدودیت‌های اداری از جمله عدم آرایه خدمات کتابخانه‌ای به افراد غیر عضو در همان کتابخانه، امکان دسترسی به آنها وجود ندارد. خوشبختانه سعی مشتاقانه و تلاش عالمانه دکتر حسن احمدی در جمع آوری، ترجمه و تدوین برخی از منابع و مآخذ کمیاب، به ویژه مقالات و نوشته‌های برجای مانده از سیاحان و خاورشناسان غربی که در طول قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم میلادی از سیستان و خرابه‌های

تند به میدان روستا راه پیدا می کند، ورودی دیگر آن در قسمت غربی است که نسبتاً تخریب گشته و در میان خانه های روستا محصور گشته است .

وجه تسمیه:

سه کوه در لهجه محلی سکوا (Sakava) تلفظ می گردد. این نام بنا بر نظر بعضی افراد گرفته شده از کلمه سکایی یا سکاها است. ولی این نظر در مقابل نظریه ایی که بنا به اظهارات افراد محلی ،گفته می شود مردود است. و بنا به اظهارات ،این منطقه زمانی به خاطر در مسیر قرار داشتن آب رودخانه زیر آب بوده و بعدها بخاطر تغییر مسیر رودخانه هیرمند بتدریج خشک شده و از زیر خاک بیرون آمده ابتدا این سه برآمدگی از آب بیرون آمده و به صورت سه جزیره در بین اب نمایان بوده که مردم به این دلیل به آن سکوه یا سکوا می گویند و بر روی آن بنایی از خود بیادگار گذارده اند .

معماری:

این قلعه با ۳۱ متر ارتفاع از سطح منطقه بلندترین قلعه در این منطقه می باشد و یکی از مرتفع ترین مکانها بعد از کوه خواجه است .

قلعه بطور کلی از سه قسمت بهم پیوسته تشکیل شده است که شامل :

۱-قلعه یا ارگ جنوبی ۲- ارگ شمال یا برج فلک سر ۳- میدان که حد فاصل دو مجموعه است .

حیاط مرکزی:

میدان نسبتاً بزرگی است که حد فاصل دو قلعه شمالی و جنوبی قرار دارد . میدان تقریباً برای هر دو محسوب می شود. میدان مرکزی با احداث یک بنا در وسط آن به دو حیاط تبدیل شده . سطح این میدان نسبت به قسمت های دیگر قلعه پایین تر است و علت آن قرار گرفتن آن با فرم طبیعی زمین در فرورفتگی بین دو تپه است. حیاط کوچکتر به عنوان محوطه قلعه جنوبی در قسمت قبل توضیح داده شد.



اولین همایش ملی گردشگری، اقتصاد و بازاریابی

The First National Symposium on Tourism, Economy & Marketing

دانشگاه آزاد اسلامی زابل - ۲۶ و ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۰



- خواند میر (۱۳۵۲)؛ حبیب السیر؛ جلد سوم؛ به تصحیح محمد دبیر سیاقی؛ چاپ اول؛ تهران: انتشارات خیام
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۹)؛ لغت نامه؛ جلد ۱۱؛ چاپ اول؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- فریه، جی.پی (۱۳۷۸)؛ بخشی از کتاب سفر با کاروان؛ در: جغرافیای تاریخی سیستان (سفر با سفرنامه‌ها)؛ ترجمه و تدوین از حسن احمدی؛ چاپ اول؛ تهران: مولف هانتینگتون، ای (۱۳۷۸)؛ کاسه شرقی ایران و سیستان؛ در: جغرافیای تاریخی سیستان (سفر با سفرنامه‌ها)؛ ترجمه و تدوین از حسن احمدی؛ چاپ اول؛ تهران
- موسوی حاجی، سید رسول (۱۳۸۳)؛ جغرافیای تاریخی زرنگ؛ مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران شناسی (۲۷ تا ۳۰ خرداد ۱۳۸۱)؛ صفحات ۵۶۴ - ۵۳۷
- موسوی حاجی، سید رسول (۱۳۸۷)؛

تاریخی آن بازدید داشته‌اند و انتشار آنها در کتابی با عنوان «جغرافیای تاریخی سیستان، سفر با سفرنامه‌ها» بسیاری از موانع و مشکلات محققان و سیستان شناسان را در جمع آوری و دسترسی به منابع مورد نیاز، مرتفع ساخته و امکان دسترسی آسان به بسیاری از آنها را فراهم آورده است.

Results of studies in history and archeology confirms that the central region of Sistan → → with the great Achaemenid era city known as "Zrnka", to the Parthian era city known as "Prvftazy" and "Agyraspy", in Sassanian with "city-ROM" and the Islamic era (the beginning of the Safavid) cities with "smart", "Shhrsystan" and "new city of Sistan" has been

Undo edits

Apart from being slaves of the crater and hill The city is likely to be the remains of → the → respectively Zrnkay ROM Achaemenid and Sassanid city of Zahedan and the old And assignments that belong to the "city of Sistan va" in the second period of Sistan Daralhkvmmh not no doubt - will be, other centers of Islamic history and detailed information is available Sistan.

منابع:

- علی یزدی، شرف الدین (۱۳۳۶)؛ ظفرنامه؛ جلد اول؛ به تصحیح و اهتمام محمد عباسی؛ چاپ اول؛ تهران: انتشارات امیر کبیر
- علی یزدی، شرف الدین (۱۳۳۶)؛ ظفرنامه؛ جلد دوم؛ تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموری؛ به تصحیح و اهتمام محمد عباسی؛ چاپ اول؛ تهران: انتشارات امیر کبیر
- جیهانی؛ ابوالقاسم (۱۳۶۸)؛ اشکال العالم؛ ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب؛ با مقدمه و تعلیقات از فیروز منصوری؛ چاپ اول؛ تهران: انتشارات به نشر



اولین همایش ملی گردشگری، اقتصاد و بازاریابی
The First National Symposium on Tourism, Economy & Marketing
دانشگاه آزاد اسلامی زابل - ۲۶ و ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۰





اولین همایش ملی گردشگری، اقتصاد و بازاریابی
The First National Symposium on Tourism, Economy & Marketing
دانشگاه آزاد اسلامی زابل - ۲۶ و ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۰

